

دشتان (حیض) در دین زردشتی (بر پایه منابع فارسی) و مقایسه آن با فقه امامیه

* سیده فاطمه زارع حسینی

** طاهره رحیم‌پور ازغدی

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۰]

چکیده

دشتان به عنوان نوعی وضعیت جسمی و روحی مختص زنان همواره با باورها و قوانین اجتماعی و دینی خاص مواجه بوده است. یکی از نیازهای پژوهشی میان‌رشته‌ای در حوزه مطالعات زنان و ادیان، بررسی و مقایسه دیدگاه‌ها و مقررات مربوط به دشتان در ادیان و مذاهب است. مثلاً در دین زردشتی و اسلام (شیعه امامیه) احکام و موازین متعدد و الزام‌آوری درباره دشتان برای زنان وضع شده است. پرسش این است که: این قوانین بر اساس چه نگاهی به زنان پدید آمده است؟ چه باید‌ها و نبایدهایی را بر زنان تحمیل می‌کند؟ و نکات مشترک و متفاوت آنها کدام است؟ می‌توان گفت مقررات دشوار مربوط به پرهیزهای زنان در ایام حیض و آداب مفصل تطهیر پس از ایام حیض در دین زردشتی در قیاس با احکام حیض و حائض در فقه امامیه بسیار فربه و پرشاخ و برگ است. این جستار با روش توصیفی تحلیلی و از طریق بررسی احکام و قواعد فقهی مرتبط با دشتان در دین زردشتی و فقه امامیه چگونگی و چرایی آنها را تحلیل و تبیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حیض، دشتان، زن، دین زردشتی، شیعه امامیه.

* استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) zarezeh-h@um.ac.ir

** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد rahimpoor@um.ac.ir

مقدمه

با آنکه دشتان به مثابه مسئله‌ای ویژه زنان دارای ابعاد و جنبه‌های پژوهشی بسیاری اعم از جسمی، روانی، دینی، ادبی، اجتماعی و حتی جرم‌شناسی است، ولی این موضوع در پژوهش‌های مربوط به زنان به دلیل توجه بیشتر به جنبه‌های حقوقی و خانوادگی، مغفول مانده است. یکی از دلایل نادیده‌گرفتن این مبحث، تابودانستن و شرم‌گفت‌وگو در باب حیض است. در ادیان و مذاهبی که وجهه فقهی و شریعتی پررنگ‌تری دارند، از جمله دین زردشتی و مذهب امامیه، در باب دشتان عقاید و احکام تأمل‌برانگیز متعددی به چشم می‌خورد. با توجه به اینکه در منابع دینی زردشتیان حجم چشمگیر، گسترده و مفصلی از باورها و بنیادهای مربوط به دشتان زنان درج شده است، در نظر داریم با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با استناد به متون زردشتی فارسی، عقاید و احکام مربوط به دشتان در دین زردشتی را بررسی و تحلیل کنیم و سپس با استناد به قرآن و تفسیر و آرای فقهای امامی در این خصوص، مشترکات و مفترقاتشان را نشان دهیم. این جستار در پی پاسخ به چند پرسش است: چه تلقی مثبت یا منفی‌ای از حیض در دیدگاه‌های زردشتی و فقه امامی به چشم می‌خورد؟ بر مبنای این تلقی، در دین زردشتی و فقه امامیه چه احکام و مقرراتی در باب آن وضع شده است؟ چه ملاحظات یا دلایل احتمالی دیگری در وضع آن احکام و مقررات اثر داشته است؟ در خصوص حیض، چه احکام مشترک یا متفاوتی را می‌توان در دین زردشتی و فقه امامیه یافت؟

در خصوص موضوع دشتان در دین زردشتی و اسلام تاکنون مستقلاً سه کتاب، یک پایان‌نامه و سه مقاله منتشر شده که به اختصار معرفی می‌کنیم. بنفشه حجازی در کتاب *زن به ظن تاریخ* (۱۳۷۵) و بعد در نسخه کامل‌تر آن به نام *زن تاریخ: جایگاه زن در ایران باستان* (۱۳۸۵) فقط در چند صفحه به اختصار به موضوع دشتان پرداخته و از منابع دست اول استفاده‌شده در این مقاله بهره برده است. در کتاب *زن در ادیان بزرگ جهان* نوشته جین هولم و جان بوکر (۱۳۸۷) از جهات مختلف به موضوع زن در بسیاری از ادیان از جمله اسلام پرداخته شده، ولی بحث زن در دین زردشتی از قلم افتاده است. شهلا زرلکی در *دشتان: زنان و جنون ماهانه* (۱۳۹۵) در عین بررسی موضوع دشتان در اوستا و ادبیات فارسی میانه (پهلوی) و اسلام، با آنکه آگاهی‌های سودمندی عرضه کرده، از برخی منابع فقهی مهم زردشتی (مانند کتاب پنجم دینکرد، بخشی از *زندیلاد*

و ... استفاده نکرده است. کتابیون مزداپور نیز در کتاب *داغ گل سرخ و چهار گفتار دیگر درباره اسطوره*، مطالب مفید و تحلیل‌های جالبی در باب دشتان در دین زردشتی آورده، ولی وارد جزئیات و تفصیلات احکام دشتان نشده است. همچنین، پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی جایگاه زن و ازدواج در دین زردشتی و فقه امامیه» (۱۳۹۳) در دانشگاه فردوسی مشهد نگاشته شده اما تا حدودی، نه به طور کامل، مباحث دشتان را در دین زردشتی و فقه امامیه مقایسه کرده است. سه مقاله نیز به طور مقایسه‌ای بین دین زردشتی و اسلام درباره ازدواج موقت، شرایط ازدواج و طلاق منتشر شده است.^۱ به این ترتیب، این مقاله نخستین پژوهشی است که به طور خاص، موضوع حیض را با رویکردی تطبیقی می‌کاود. در این جستار، با نگرشی پدیدارشناسانه، بی‌طرفانه و فارغ از جانبداری و سوگیری، نخست با مراجعه به منابع متعدد زردشتی که به کسوت زبان پارسی درآمده‌اند، دیدگاه زردشتی راجع به دشتان و نحوه پیدایش آن بیان می‌شود؛ و پس از تبیین دیدگاه قرآن و آرای فقهای امامیه درباره حیض، قوانین و مقررات مربوط به دشتان در دین زردشتی را ذکر، و آنها را با احکام اسلامی و شیعی مقایسه خواهیم کرد.

۱. دشتان در دین زردشتی و اسلام

طبق دین زردشتی، در ازل اهریمن بدخواه و بدکنش در گیتی هر مزدآفریده رخنه، و به آن آسیب و آلودگی وارد کرده است که دشتان - این رخداد پربسامد که یک‌چهارم عمر هر زن را فرا می‌گیرد - یکی از مهم‌ترین آنها است. «مبنای فقهی زردشتی بر همین اصل مقابله و ختناسازی عملکرد اهریمن در گیتی توسط انسان استوار شده و اساس آموزه‌های عملی و احکام دینی زرتشتی مقابله با اقدامات اهریمنی است. در *گاهان*، سروده‌ها و گفته‌های خود زردشت، برابری قدرت هر دو جنس در ورزیدن کردار نیک و یافتن پاداش روحانی جلب توجه می‌کند. این همتایی و همگامی (مانند یسن ۴۶، بند ۱۰) به آسانی به فراموشی سپرده می‌شود؛ زیرا رعایت آن برای مردان دشوار است و زنان به حکم نوعی اجبار عملی و طبیعی، تسلیم زورمندی و زورگویی می‌شوند و با درماندگی از ادعای تساوی چشم می‌پوشند. به گواهی آثار مکتوب، روی هم‌رفته از برابری جایگاه زن و مرد، چنان‌که در *گاهان* می‌آید، کاسته می‌شود و هر چه از متن‌های قدیمی می‌نگاریم، رجحان جنس مذکر بیشتر می‌شود و مقام و منزلت زن تنزل می‌یابد.

البته در متون نیایشی اوستا، یعنی بخش‌های غیرگانه‌ی یسنا و نیز ویسپرد و یشت‌ها، بازتاب ارجمندی زن در وحی زردشتی بیشتر است. ولی در آثار پهلوی، پنداشته‌های پیرامون زن رنگی دیگر گرفته و تضاد اخلاقی بنیادین گانه‌ی بین نیک و بد، گسترش و تعمیم شگفتی یافته و به اشیا و مفاهیمی اطلاق شده است که با خیر و شر زندگی ارتباطی ندارند» (مزدپور، ۱۳۷۱: ۱۴-۱۵). به نظر می‌رسد «انقیاد زن با دو سازوکار اصلی و قاطع در جوامع بشری انجام یافته است: یا از راه بی‌ارج و ارزش قلمدادکردن هنر زاینده‌گی و کاستن از اعتبار این ویژگی زنانه است که به این منظور، ویژگی‌های جسمی و ناگزیر زنانه را عیب و ننگ، و ناپاکی‌های حیض و زایمان را پلیدی‌های سخت و اهریمنی می‌پندارند. راه دیگر اینکه زن را تا حد امکان از عرصه فعالیت‌های اقتصادی پس می‌رانند» (همو، ۱۳۸۳: ۸۵). به این ترتیب، در متون دینی زردشتی با حجم انبوه شایان توجهی از قوانین و الزامات مرتبط با دستان روبه‌رو می‌شویم که با جدیت تأکید شده است زنان و غیرزنان آن را رعایت کنند، و اهمال در انجام‌دادن آنها سزاوار عقوبت‌های سخت و پیچیده دنیوی و اخروی دانسته شده است. «با مرور احکام فقهی زردشتی که با هدف تنظیم مناسبات میان افراد و بهبودبخشیدن به نحوه زیست اجتماعی و فردی به وجود آمده‌اند، می‌توان به نظام هنجاری‌ای پی برد که به طور کلی بر ترجیح جنس مذکر و ارتقای او در سلسله‌مراتب اخلاقی و اجتماعی استوار است» (قادری و صادقی، ۱۳۸۴: ۱۶۲). «همچنین، به نظر می‌رسد که احکام فقهی زردشتی، مانند موارد مذکور در *وندیداد*، در ابتدا کارویژه‌های طبابت و سلامتی را بر عهده داشتند، اما به‌تدریج به جنبه‌های آیینی تبدیل، و به دلیل کاربرد طولانی‌مدت تثبیت شدند و تداوم یافتند. در فقه زردشتی، زندگی تداوم و تسلسل بین پاکی و ناپاکی است؛ به‌ویژه در فقه دوران ساسانی که طهارت معطوف به راندن اهریمن و مقابله با پلیدی است و بدن هر لحظه در آستانه آلودگی قرار دارد. از این‌روی، وظیفه یک فرد مؤمن در تمام اوقات شبانه‌روز مراقبت از آن است» (همان: ۱۴۸). بنا به این ملاحظه و به دلیل نجاست و آلودگی دستان و زن دستان در دین زردشتی و لزوم رعایت و حفظ پاکی و زدودن آلودگی‌های اهریمنی، «بین احکام مربوط به دستان و آداب مربوط به طهارت و روابط جنسی ارتباط زیادی وجود دارد» (همان: ۱۵۸). سیستم نظارت دوگانه در رعایت احکام و مقررات در دین زردشتی، به‌خصوص قوانین راجع به دستان، از این‌قرار است: نظارت منحصراً بر خود و جسم خود از یک سو، و نظارت بیرونی دیگران از سوی

دیگر (همان: ۱۶۳). با توجه به این نکات، به نحوه پیدایش دشتان در زنان و تفصیل احکام و قوانین مربوط به آن در دین زردشتی و مقایسه آنها با دیدگاه‌های فقهی امامیه خواهیم پرداخت.

۱.۱. پیدایش دشتان در زنان در متون زردشتی

طبق بندهش، یکی از متون زردشتی به زبان پهلوی، پدید آمدن دشتان در زنان نتیجه بوسه اهریمن بر سر دخترش، جهی، است. لذا منشأیی اهریمنی و شیطانی دارد (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹: بخش پنجم، بند ۴۰، ص ۵۱) و به همین دلیل، قوانین و دستورهای شدید و غلیظی درباره آن در دین زردشتی وضع شده و لازم‌الاجرا دانسته شده است.

۱.۲. حیض در قرآن و تفسیر

در اسلام، توحید در ساحت نظر و عمل، به عنوان مهم‌ترین عقیده و بنیادی‌ترین باور دینی مطرح می‌شود که زیرساخت سایر ابعاد این دین، از جمله بُعد فقه قرار گرفته و آنها را بارور کرده است. آموزه‌های عملی و بایدها و نبایدهای رفتاری در اسلام بر بنیاد یگانگی و سیطره خداوند بر هستی، در راستای تنظیم و تصحیح روابط انسان با خدا و هموعان و محیط پیرامونش و با رویکرد و نگرشی توحیدی قوام یافته‌اند. بنابراین، جای تعجب نیست که در این دین، به آن اندازه‌ای که متون زردشتی بر حفظ طهارت (هرمزدآفریده) و پرهیز از آلودگی و ریمنی (زاده اهریمن) پا می‌فشارند، در احکام اسلامی و شیعی چندان اثری از ناپاکی و آلوده‌کنندگی حیض و زن حائض نمی‌بینیم. در قرآن کریم، فقط در سه آیه به حیض اشاره شده است: بقره: ۲۲۲؛ بقره: ۲۲۸، و طلاق: ۴. آیه ۲۲۲ سوره بقره اشاره‌ای مستقیم به ماهیت حیض و احکام پاکی و ناپاکی آن دارد و دو آیه دیگر درباره نقش حیض در طلاق است. «قرآن در قیاس با دیگر کتب مقدس، سهل‌گیرانه‌ترین احکام را درباره دشتان مقرر کرده است. در آموزه‌های اسلامی مربوط به دشتان، نه سخنی از طرد و دوری‌گزینی از زنان، و نه خبری از مجازات‌های سنگین مرگ یا انقطاع قومی و دینی است. عمل حرام در ایام حیض از منظر قرآن و کتب احکام، همخوابگی با زن دشتان است و اسلام توصیه‌ای مبنی بر دوری‌کردن از زن یا منع او از کارها و روابط روزمره با دیگران نکرده است»

طباطبایی در تفسیر المیزان، چگونگی مواجهه اقوام مختلف جاهلیت با مسئله حیض را تشریح می‌کند:

قبل از اسلام مردم درباره حیض آرای مختلفی داشتند. مثلاً یهودی‌ها در این خصوص خیلی سخت می‌گرفتند و از زنان حائض در خوردن و آشامیدن و نشستن و خوابیدن کناره‌گیری می‌نمودند و در تورات، احکام سختی راجع به زنان حائض و کسی که با ایشان نشست و برخاست کند یا بخوابد، موجود است، اما نصرانی‌ها حکمی را که مانع از نزدیک شدن و تماس گرفتن با ایشان باشد، نداشتند. مشرکان عرب راجع به این موضوع ابداً روش خاصی نداشتند، ولی آنان که در مدینه و اطراف آن ساکن بودند، به واسطه معاشرت با یهودی‌ها گاهی آداب آن طایفه در ایشان هم سرایت کرده بود و با زنان حائض آمیزش نمی‌کردند، اما سایر عرب‌ها بسا آمیزش در حال حیض را خوب می‌شمردند و معتقد بودند فرزندی که در این حال نطفه‌اش منعقد شود، خونریز و سفاک می‌شود؛ چون سفاکی و بی‌باکی نزد عشایر بدوی از صفات پسندیده به شمار می‌رفت (طباطبایی، ۱۳۴۵: ۳۰۲/۳).

به این ترتیب، در عربستان قبل از اسلام، اگرچه اعراب در این باره حکم مشخصی نداشتند، ولی ساکنان مدینه و روستاهای اطراف از زن حائض اجتناب می‌کردند و تحت تأثیر آداب و رسوم یهودیان، در معاشرت با زنان حائض سخت می‌گرفتند. از این‌رو، پس از ورود اسلام به عربستان، این مسئله از رسول خدا پرسیده شد و در پاسخ، آیه ۲۲۲ سوره بقره نازل شد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶۱۸/۱) که در آن خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ». بعد از نزول این آیه، پیامبر اکرم (ص) فرمود با زنان حائض در یک خانه زندگی کنید و با آنان هر کاری به جز آمیزش انجام دهید (طبری، بی‌تا: ۲۲۴/۲).

در قرآن کریم، واژه «حیض» همین یک بار در آیه ۲۲۲ سوره بقره به کار رفته است. در این آیه، «مَحِيضٌ» به مفهوم «وقت حیض» و «مکان حیض» است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۲۰). حیض به تعبیر این آیه، بیماری است و کلمه «اذی» در اکثر کتب تفسیری به «بیماری» معنا شده، بنابراین، زن حائض همچون دیگر بیمارها مأجور است

و حیض، کفاره گناهان او است. اما اینکه محیض دوم، «اذیت» خوانده شده، به این جهت است که حیض زنان از کارویژه‌ای حاصل می‌شود که طبیعت زن در مزاج خون طبیعی خود انجام می‌دهد و مقداری از خون طبیعی او را فاسد و از حالت طبیعی خارج کرده و به داخل رحم می‌فرستد. وجود خون حیض در رحم باعث پاک‌شدن آن می‌گردد و اگر مادر باردار باشد، جنین را تغذیه می‌کند و در دوران شیردهی کودک از آن تغذیه می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۹۶). از نظر علمی، قاعدگی، آبستنی، زایمان و شیردهی بر جسم و روان زن اثرگذار است (آسیموف، ۱۳۶۴: ۱۱۸).

در این آیه چند نکته در خور توجه است:

الف. «آذی» امری است که همراه با ضرر جسمی، روحی، اخروی یا دنیوی باشد (قرشی، ۱۳۷۵: ۲۰۶/۱). برخی از مفسران نیز «آذی» را مربوط به عمل زناشویی دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۹۵/۱). با توجه به فاء فصیحه قبل از فعل «اعتزلوا» و اذیت‌کننده بودن ماهیت حیض، مشخص می‌شود که زنان باید از هر آنچه موجب عسر و حرج است، معاف شوند. حکم معافیت زنان از نماز و روزه و عبادات دیگر نیز برای رعایت حال زنان است. زیرا زنان در این دوران به استراحت و تغذیه مناسب نیاز دارند.

ب. «فَاعْتَزَلُوا»: علت امر قرآن به کناره‌گیری از زنان این است که اعراب جاهلی با زنان در زمان حیض مقاربت می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۹۵). از این رو، آمیزش با زن حائض با امر «اعتزلوا»، حرام اعلام شده است. با توجه به این مطالب، ارتباط کلمه «آذی» در این آیه با «اعتزال» روشن می‌شود. به عبارت دیگر، حکم اعتزال از زن با همین اذیت و آزار مرتبط است و در واقع، ذکر علت بر حکم مقدم شده است.

می‌توان گفت حرمت مباشرت با حائض از طرفی، به این نکته اشاره دارد که طبیعت زن حائض مشغول پاک‌کردن رحم و آماده‌سازی برای بارداری است و آمیزش در این حالت سازوکار رحم را مختل می‌کند و به بارداری صدمه می‌زند. از طرف دیگر، این حکم حرمت، خود نوعی تطهیر زنان از پلیدی است. به این ترتیب، اعتزال به معنای دوری کردن از زنان نیست، بلکه به معنای دوربودن زنان از عسر و حرج است.

ج. درباره عبارت «و لا تقربوهن» باید گفت منظور از نزدیکی نکردن با زنان، مطلق

دوری کردن از آنان نیست. همچنین، این نوع امر و نهی قرینه است بر اینکه امر

«فَاعْتَرِلُوا» و نهی «وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ» جنبه کنایی دارد و مراد از نزدیکی با زنان حائض فقط نزدیکی از محل خون است، نه مطلق همنشینی، معاشرت و لذت‌گیری از آنان (گواهی، ۱۳۶۹: ۴۱-۴۲)، چنان‌که امام صادق (ع) در پاسخ به مردی که زنش حائض بود و پرسید چه بهره‌ای از او می‌تواند ببرد، فرمود: همه چیز به جز آمیزش از راه متعارف. نیز از آن حضرت پرسیدند: «زنی که در آخرین روز عادت، خون حیضش قطع شده است، چه حکمی دارد؟» فرمود: «اگر شهوت همسرش شدید است، باید دستور دهد محل خون را بشویند. آنگاه اگر خواست، می‌تواند قبل از غسل با او نزدیکی کند» (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۹۹-۳۰۰).

د. طهارت (متضاد نجاست)^۲ در اسلام احکامی دارد که به قوم یا دوره‌ای اختصاص ندارد. طهارت و نجاست در اسلام علاوه بر اینکه به عنوان صفات وجودی در اشیا به کار می‌رود، به مسائل مادی و معنوی نیز تعمیم می‌یابد و در قوانین هم جاری می‌شود. از این رو، اگر خداوند فرموده است: «وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ»، منظور، پاکی از حیض و قطع جریان خون است. عبارت «فَإِذَا تَطَهَّرْنَ» به معنای شستن محل خون یا غسل کردن است. اما در عبارت «فَأَتَوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُم»، یعنی پس از پاک‌شدن، آمیزش با زن جایز است؛ دلیل تقید امر «فَأَتَوْهُنَّ» به «أَمَرَكُمُ اللَّهُ» این است که آمیزش جنسی فی‌نفسه، لغوی و لهوی است، ولی چون به امر خدا مقید شده است، تکوینی محسوب می‌شود. بدین ترتیب، قرآن پس از اتمام دوره حیض برای جبران صدمات روحی و عاطفی زنان در این دوره (به علت نزدیکی نکردن با مردان)، مردان را به آمیزش با زنان امر کرده که در حقیقت، جبران امر «اعْتَرِلُوا» است.

۲. پاک‌ی و ناپاکی زن دستان در دین زردشتی و فقه امامیه

«در ژرف‌ساخت عقاید زردشتی، خیر هر مزدی و شرّ اهریمنی، که در آفرینش پدیدار می‌گردد، دو بن جدا و متمایز هستی است. آفرینش هر مزد همه نیکی و زیبایی و پاکیزگی، و آفرینش اهریمن سراسر بدی و زشتی و پلیدی است. زندگی نیکو از آن هر مزد است و اهریمن سعی در میراندن آن دارد. خونریزی زنانه ناپاک و ریمن و ناپاک‌کننده حیات، و عامل آن «دروج» است. ریمنی و نجاست زن دستان زاده هدر (یا هیخر، چیز ناپاکی که از تن زنده جدا شود، مانند مو، ناخن، تف، خون و سایر ترشحات جسمانی) است. دروج تأثیر دیوی بر تن است و دویدن و راه‌رفتن اهریمنی

در تن تکرار حادثه کیهانی هجوم اهریمن بر آفرینش هرمزدی در عالم صغیر به شمار می‌رود. حیض پدیده شگفت و ناخوشایندی است که بسیاری از فرهنگ‌های جهان، از جمله دین زردشتی، آن را تابو می‌شمرند. عوارض گوناگون آن از ضعف بدنی گرفته تا آلودگی تن و جامه و جای نشستن زن دشتان، و به دنبال آن، با وسایل نارسا و قدیمی روزگار باستان، بدبوی و ناخوشایندگشتن تن وی و اشیای پیرامون آن، دلایل کافی برای نامطوبعی دشتان پدید می‌آورد و چون با نارضایی شوهر همراه می‌گردد، به‌خوبی می‌توان دریافت که چرا پدیده‌ای اهریمنی است و چرا «دروج دشتان» را این همه نیرومند و زورآور می‌دانسته‌اند. دشتان می‌تواند با مرگ همراه باشد و نیز عوارض ناخوش آن با عدم آبستنی یا سقط جنین هر گاه وحدت و یکتایی یابد، آرزوی داشتن فرزند را که آرزویی بزرگ و مقدس است، به یأس تبدیل می‌کند. بوی ناخوش و بیماری و بی‌فرزندماندن را می‌توان به اهریمن منتسب کرد» (مزداپور، ۱۳۸۳: ۲۷۵-۲۷۸).

«در دین زردشتی، جهان و مافیها به دو گروه هرمزدی و اهریمنی بخش می‌شود و در هر چیز می‌توان دلایل کافی یافت که آن را هرمزدی و نیکو یا اهریمنی و بد به شمار آوریم. زن نیز از این حکم مستثنا نیست. در زبان پهلوی دو واژه برای نامیدن زن هست: ناریگ (زن نیک) و جه (زن بد). زنی شایسته نام ناریگ است که از یک سری احکام دینی پیروی کند و به محض عدول از این اطاعت و شکستن پرهیز و تابوی دینی و سرپیچی از مقررات مقدس، مانند عدم رعایت پرهیز دشتان «جه» خوانده می‌شود و محکوم به عقوبت‌های دنیوی و اخروی می‌شود» (همو، ۱۳۷۱: ۱۷؛ همو، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

علت عقوبت و مجازات رعایت‌نکردن پرهیزهای دشتان به سبب دیوی است که به زن دشتان نفوذ کرده که از تمام دیوهای جهان بدتر است؛ زیرا فقط دیوی که در زن دشتان رسوخ کرده است، می‌تواند از طریق نگاه ناپاکش به اشیا و افراد حمله کند و منجر به پلیدی آنان شود (سد در بندهش، فصل ۱۵، بندهای ۶-۷، ص ۸۳؛ شایسته ناشایست، فصل ۳، بند ۲۹، ص ۶۴-۶۵). در واقع، این دیو، دروج (دروغ و ناراستی اهریمنی) را در همه تن جاری می‌کند و به همین علت باید زن دشتان را از آلودگی و پلیدی بیشتر دور داشت و از ارتباط وی با هر کس و هر چیز، مخصوصاً اشیای آیینی، جلوگیری کرد. همچنین، دشتان به دلیل رنگ متفاوت آن از دیگر خون‌ها و بدبویی بیشترش موجب آلودگی تن زن می‌شود و از این راه، آن تن موجب زیان می‌گردد (کتاب پنجم دینکرد، فصل ۱۲۴، ص ۹۶).

پس دین زردشتی بر بنیان ثنویتی اخلاقی و کشمکش همیشگی بین خیر و شر و جدال سخت و آشتی‌ناپذیر هرمزد و اهریمن بنا شده و در نتیجه، همه ابعاد این دین، به‌ویژه بُعد فقهی و احکام دینی‌اش (خصوصاً دو موضوع بسیار مهم طهارت و نجاست)، بر مبنای اصل پرهیز از آلودگی اهریمنی و مقابله با آن پدید آمده است. در این دین، دشتان در کنار می، خون، ادرار و آب دهان یکی از هیخرها (نجاسات) است که در صورت تماس چیزی با آنها باید با دقت کامل شسته شود تا پاک گردد (کتاب پنجم دینکرد، فصل ۱۲، بندهای ۱ و ۲، ص ۵۲).

در اسلام، به‌ویژه در متون فقهی امامیه، نگرش به زنان در دوران قاعدگی متفاوت با دیدگاه زردشتی است. در این دیدگاه، زنان دشتان در معرض هجوم نیروهای اهریمنی قرار نگرفته‌اند و آلوده نیستند، بلکه با تحمل مشقات و زحمات (اذی) دوران حیض، دارای اجر و مقام معنوی نیز می‌شوند و ظاهراً ممنوعیت برخی عبادات برای زنان در این مدت نیز به دلیل ملاحظه وضعیت خاص و نامطلوب آنان است. چنان‌که از پیامبر اکرم (ص) درباره جایگاه زنان حائض نقل شده است که یک روز حیض‌شدن بهتر از عبادت یک‌ساله است؛ یا زنی که در حالت حیض بمیرد، اجر شهید را دارد. همچنین، زنی که از حیض غسل کند، تمام گناهانش آمرزیده می‌شود و بر او گناهی نوشته نمی‌شود تا زمان حیض دیگر (نوری، ۱۳۷۳: ۴۱/۲).

یکی دیگر از دلایلی که بر پاک‌بودن وجودی زنان حائض دلالت دارد، حکم فقها در جواز مقاربت با حائض حتی قبل از انجام دادن غسل حیض است (کرکی و حلی، بی‌تا: ۱۰). این حکم از سویی، نشان می‌دهد که زن در این دوران از جهت روحی و وجودی پاک است و نهی از آمیزش با او به دلیل حفظ سلامتی زنان و پیش‌گیری از عفونت و ممانعت از تشکیل نوزاد ناقص‌الخلقه است که این ملاحظه کاملاً عالمانه و منطبق بر اصول علمی و پزشکی است؛ چنان‌که حیوانات هم در این دوره مایل به جفت‌گیری نیستند. بنابراین، قرآن علاوه بر توجه به بهداشت جسمی زن، به نیازهای روحی و عاطفی او نیز در این ایام اهمیت داده است. از سوی دیگر، پاک‌بودن زنان را ثابت می‌کند؛ زیرا اگر اسلام زن حائض را آلوده می‌دانست، مقاربت با وی قبل از غسل جایز نبود (نجفی، ۱۳۹۵: ۲۸۸/۳۰)، با توجه به اینکه احتمال تشکیل نطفه در این دوران نیز هست.

استحباب برپاداشتن صورتی مهم‌ترین عمل عبادی، یعنی نماز، در این حالت، برای

حفظ ارتباط معنوی زن حائض با خدا نیز نشان‌دهنده پاک‌بودن روح زن است. زیرا در

صورت پلیدی روح، ارتباط وی با خدا میسر نخواهد بود. از این رو، خداوند با آگاهی از سختی‌های این دوران برای زنان، ایشان را از تکالیف شرعی و زناشویی معاف داشته تا این ایام را راحت‌تر سپری کنند و مهم‌تر آنکه به منظور رعایت وضعیت روحی آنان، طلاق زن در دوره حیض جایز نیست (طلاق: ۴؛ بقره: ۲۲۸؛ خمینی، ۱۳۶۹: ۵۹-۶۰).

۳. احکام دشتان در دین زردشتی و مقایسه آن با فقه امامیه

در این بخش، به تفصیل، مقررات و قوانین مرتبط با دشتان از منظر دین زردشتی ذکر، و با احکام و دیدگاه‌های فقهی امامیه مقایسه خواهد شد. در فقه زردشتی، حیض مانند بیماری گری^۳ است که باید اقدامات خاصی از جمله قرنطینه را درباره آن انجام داد (روایت امید/شومیستان، ۳۵: ۴). ولی نگاه غالب به دشتان در دین زردشتی آن است که دشتان و خون آن را حاصل عملکرد اهریمن و در نتیجه، اهریمنی، و بسیار ناپاک و پلید می‌انگاشتند که باید با رعایت محدودیت‌ها و قوانین دقیق، از آن و آثار ناشی از تماس یا ارتباط با آن پرهیز کرد. در خصوص دیدگاه اسلام درباره حیض زنان باید گفت در قرآن کریم (بقره: ۲۲۲) واژه «اذی» به معنای «رنجوری زن» است و اینکه باید جانب او رعایت شود و سخن از آلودگی زن و لزوم جداسازی و قرنطینه‌رفتن او در میان نیست.

۳. ۱. جداسازی زن دشتان

«در دوره‌های پس از غارنشینی، روش «خونریزی آزاد» بدون هیچ ابزار مراقبتی برای کنترل خونریزی ماهانه رایج بوده است. زنان در دوران دشتان به جایی دور از محل زندگی فرستاده می‌شدند. «کلبه‌های قاعدگی» ترکیب آشنا و مکرری است که در بررسی فرهنگ‌ها و کشورهای دیگر به آن برمی‌خوریم. کلبه قاعدگی، که زردشتیان به آن «دشتانستان» می‌گفتند، مکانی است که زنان دشتان را به آنجا می‌فرستادند؛ نوعی انزوا و استراحت اجباری. زن در این دوره از غذاپختن، بچه‌داری، هم‌بستری و ... معاف بود. این دوران قرنطینه را می‌توان دو گونه دید: یا معافیت و استراحت در این دوران خاص است یا محرومیت و محدودیت زن به خاطر ناپاکی و پلیدی و ممنوعیت کارها و روابط معمول (زرلکی، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

گویا این رسم و الزام به قرنطینه رفتن زن دشتان در دین زردشتی بازمانده‌ای از این باور کهن باشد که بعدها جامه‌ای دینی بر آن پوشانده شده است: از قول اورمزد (= اهوره‌مزدا) نقل است که خطاب به زردشت فرمود که زنان را اندرز و نصیحت کن تا آن سه روز که دشتان هستند، از همه چیزها پرهیز کنند و هیچ چیز را نینند (سد در بندهش، فصل ۴۱، بند ۲، ص ۱۱۰). می‌توان گفت «در دین زردشتی، سه روش اصلی تطهیر مرسوم بوده است که عبارت‌اند از: شست‌وشو، رهاکردن تطهیرشوندگان در طول زمانی معین و بازگرداندن آنان به طبیعت، و جداکردن موارد ریمن‌شده» (مزداپور، ۱۳۸۳: ۳۰۱-۳۰۲). «در مورد زن دشتان، آمیزه‌ای از دومین و نخستین روش تطهیر کاربرد دارد که ابتدا با گذشتن هفت یا نه روز، در اوضاع و شرایط عادی پاک می‌گردد و سپس بعد از شستن بدن با آب و گمیز می‌تواند به جای اصلی زندگانی خود برگردد» (همان: ۳۰۳). بنابراین، هنگامی که زن دشتان شود، در آن سه روز می‌باید از همه چیز از دیدن آب، آتش، خورشید، ماه، ستاره و مرد اشو (دیندار) پرهیز کند و در کنجی بنشیند تا سه روز بگذرد (سد در بندهش، فصل ۴۱، بندهای ۱، ص ۱۱۰). به دلیل نجاست و پلیدی دشتان، زن به محض آنکه دریابد که دشتان شده است، بی‌درنگ باید نخست گردن‌بند و سپس گوشواره و بعد سربند و جامه‌اش را از تن درآورد (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۴، ص ۵۸). در جایی دیگر آمده است که اگر به‌یقین بداند که دشتان است، باید همه جامه‌ها را عوض کند و هنگامی که در جایگاه زنان دشتان نشست، باید باج^۴ دارد (همان، فصل ۳، بند ۶، ص ۵۸).

در متون زردشتی، جزئیات فراوانی درباره مکان نگه‌داری زن دشتان (= دشتانستان) هست که آگاهی‌های سودمندی در اختیار ما قرار می‌دهد. مثلاً اگر از زنی زردشتی خون دشتان روان شود، مزداپرستان (= زردشتیان) باید راه او را از هر گونه گل و بوته‌ای پاک کنند و در جایی که او باید بماند، خاک خشک بر زمین بپاشند و برای او ساختمانی بر پای دارند که به اندازه یک‌دوم یا یک‌سوم یا یک‌چهارم یا یک‌پنجم بلندی خانه، از خانه بلندتر باشد تا مبادا نگاه او بر آتش بیفتد (وندیاد، ۱۶: ۱-۲). در خانه‌ای (= اتاقی) که زن دشتان باشد، نباید آتش افروخت (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۳۰، ص ۶۵).

اگر زن در حیض بودن خونی که از او خارج می‌شود، شک داشت، باز هم باید قرنطینه

۳۵: ۴). پس از سه شب که آن آلودگی ناپدید شد، تا یک شبانه‌روز درنگ کردن و نسکی (بخشی) از اوستا خواندن لازم است (کتاب پنجم دینکرد، فصل ۱۲، بند ۵، ص ۵۲). اگر زن دشتان پس از گذشت سه شبانه‌روز باز هم خون ببیند، باید تا پایان شبانه‌روز چهارم در دشتانستان بماند. اگر پس از آن باز هم خون ببیند، باید تا پایان شبانه‌روز پنجم هم در آنجا بماند. اما اگر زنی بعد از سپری شدن سه شبانه‌روز باز هم خون ببیند، این کاری است که کارگزاران دیوها برای پرستش و ستایش آنان کرده‌اند (وندیداد، ۱۶: ۱۱). تغییر رنگ ترشح زنانه، چه پیش و چه پس از دشتان، نیز حکم خون دشتان را دارد و نجس محسوب می‌شود (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۱۹، ص ۶۲). هر زمان که زن دشتان پاک شد، می‌تواند غسل کند و از دشتانستان بیرون آید، ولی هر گاه دوباره، ولو به فاصله‌ای کوتاه، دشتان شد، باید قرنطینه را از سر بگیرد و تا زمانی که کاملاً پاک نشود، اجازه سر و تن شستن را نخواهد داشت (همان، فصل ۳، بندهای ۱۶-۱۸، ص ۶۱-۶۲).

اسلام برای حائض معافیت‌هایی، البته در محیط خانواده، قائل است و زن به قرنطینه فرستاده نمی‌شود تا در آنجا احساس تنهایی و ناراحتی کند. در اسلام فقط خون حیض آلوده و ناپاک است. همین‌طور، طبق احکام اسلامی، خونی که با فاصله نزدیک پس از دشتان جاری می‌شود، استحاضه محسوب می‌شود، اما در دین زردشتی، این خون دشتان تلقی می‌گردد و همه احکام دشتان بر آن مترتب می‌شود.

۳. ۲. ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های زن دشتان

در دین زردشتی، قوانین و احکام مفصلی در باب دوران دشتان، هم برای خود زن و هم برای اطرافیان و وابستگانش، وضع شده بود که همگی لازم‌الاجرا بود و تخلف از آنها یا کوتاهی در رعایت آن مجازات دنیوی و اخروی در پی داشت. هدف از این احکام و قوانین، تأکیدی جدی بر دوری هر چه بیشتر زن با دنیای پیرامونش و قطع ارتباط با آن، مخصوصاً افراد دیندار و روحانیان و عناصر مقدس و اشیای مقدس بود. در ادامه، نمونه‌هایی از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های زن دشتان را برمی‌شمريم.

«رفتار آیینی درست در برابر ریمنی، پرهیز از آن و پاک‌ماندن است. از آنجا که ریمنی بر اثر تماس انتقال می‌یابد، در مورد اجسام و اشیای نامقدس و عادی فاصله «سه گام سه‌پا» معیار در امان ماندن از ریمنی است و این معیار برای اشیای مقدس مانند گام سه‌پا» (www.SID.ir به‌پانزده گام سه‌پا می‌رسد. اما چنان‌که گفتیم، نیروی دروج دشتان چندان

زیاد است که از راه دور و با چشم و نگاه ناپاک می‌تواند پادیبایی (= پاک‌ی، طهارت) را از بین ببرد و چیزهای پاک را ناپاک کند» (مزدپور، ۱۳۸۳: ۲۸۵). به همین دلیل، زن دستان باید به فاصله پانزده گام از آب، آتش، برسم و مرد اشو دور باشد (وندیداد، ۱۶: ۳-۴؛ شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۳۳، ص ۶۵-۶۶). «اشیای مقدس با نگاه زن دستان بی‌پادیاب یا به اصطلاح، «وادیب» می‌شوند و دیگر شایسته کاربرد در آیین مقدس نخواهند شد. اشیا و اجسام مقدس و آیینی در صورت ریمنی برای بازگشت به وضع عادی و نخست خود باید تطهیر و پاک شوند» (مزدپور، ۱۳۸۳: ۳۰۱). با نزدیک‌شدن وی به آب و گیاه، کاهش به آنها می‌رسد و غذاها بی‌مزه می‌شوند و بوی آنها تغییر می‌یابد (کتاب پنجم دینکرد، فصل ۲۴، بند ۲۰ الف، ص ۹۸). به قولی دیگر، زن باید سه گام از مرد اشو دور باشد، چراکه چشم او به هر چه بنگرد، فره و پاک‌ی آن را می‌کاهد (سد درنشر، فصل ۴۱، بندهایی ۵-۶، ص ۳۲). باید که دستان به هیچ پادیاوی^۵ نظر نکند که اگر هزار گز (فاصله باشد) همه را پلید و آلوده خواهد کرد. همچنین، به گوسفند یا گیاهی دیگر نباید بنگرد (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۲۹، ص ۶۴-۶۵).

حتی سخن گفتن زن با دیگران موجب سرایت ناپاک‌ی به آنان می‌شود. زن دستان نباید با مرد اشو سخن بگوید (سد درنشر، فصل ۶۸، بندهای ۴-۹، ص ۴۹؛ سد در بندهش، فصل ۹۶، بند ۲۳، ص ۱۶۵؛ شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۲۹، ص ۶۴-۶۵)، زیرا از هم‌صحبتی با زن دستان به هوش و حافظه و خرد و دیگر حواس گزند بسیار می‌رسد (کتاب پنجم دینکرد، فصل ۲۴، بند ۲۰ الف، ص ۹۸؛ سد در بندهش، فصل ۹۶، بندهای ۱۱-۱۴، ص ۱۶۴).

جالب آنکه حتی نباید دو زن دستان در یک مکان با هم باشند و با هم بخوابند و تا سه روز نباید سرشان را بشویند (سد در بندهش، فصل ۹۶، بند ۲۳، ص ۱۶۵). مقررات سختگیرانه اجتناب از ارتباط با دستان حتی شامل کودکان او نیز می‌شود: اگر زن دستان کودک شیرخوار دارد، باید جامه کودک را درآورند و به مادر دهند تا شیر بخورد و بعد از آن او را به دیگران بسپارند (سد درنشر، فصل ۶۸، بندهای ۱۰-۱۲، ص ۴۹). اگر کودک شیرخوار موقع دستان‌شدن زن با او برخورد یافته باشد، باید نخست دست‌ها و سپس تن کودک را بشویند (وندیداد، ۱۶: ۵-۷). این شاید بدان جهت باشد که طفل خردسال را از آسیب چشم بد محفوظ می‌داشتند و مواظبت می‌کردند که زن حائض نزدیک او نشود، زیرا پلیدی اهریمنی وی را موجب بدبختی طفل می‌پنداشتند

در اسلام و فقه امامیه، زن در حال حیض به کلی از حضور و اعتکاف در مساجد، به ویژه مسجدالحرام و مسجدالنبی، حرم امامان (ع) و طواف کعبه منع شده است (حائری، ۱۳۹۲: ۹۸؛ کرکی و حلی، بی تا: ۱۰). اما حضور حائض در صحن و رواق مشاهد مشرفه به دلیل اینکه جزء قسمت مرکزی حرم و مسجد شمرده نمی شود، مانعی ندارد. به نظر می رسد ممنوعیت تردد و حضور در مساجد هم به علت ناپاک بودن زنان نیست، بلکه برای حفظ طهارت مساجد و مکان نمازگزاران برای جلوگیری از نشت خون به دلیل نبود امکانات محافظتی کافی و مناسب برای حیض زنان در گذشته بوده است؛ چنانکه حضور زنان در حال استحاضه در مساجد اشکالی ندارد. به عبارت دیگر، اگر از نظر فقهی، جسم زن در هنگام خونریزی آلوده باشد، در موقع استحاضه هم نباید مجاز به انجام دادن واجبات (نماز، روزه و ...) و حضور در مساجد باشد، با اینکه وضع زن در استحاضه کثیره شبیه به دوران حیض است. همچنین، در احکام شیعی حکمی برای جداسازی کودک شیرخوار از مادرش نیامده است.

۳.۲.۱. پوشاک زن دشتان

یکی از قواعد مهم در باب دشتان این است که هر چه هنگام دشتان شدن زن با او در تماس باشد، نجس نیست و هر چه بعد از دشتان شدن با او تماس یابد، نجس است (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۲، ص ۵۷؛ فصل ۳، بند ۵، ص ۵۸). چنانچه جامه کسی با زن دشتان برخورد کند، طبق نظر یکی از فقهای زردشتی، آن مقدار از جامه باید با گمیز گاو و آب شست و شو داده شود تا جامه دیگران را نجس نکند (همان، فصل ۳، بند ۱۳، ص ۶۰).

طبق فقه امامیه، لباس هایی را که خون حیض به آن رسیده و نجس شده است، باید با آب شست تا طهارت یابد و نیاز به اقدام تطهیری دیگری نیست.

۳.۲.۲. ممنوعیت آشپزی در دوران دشتان

اگر زنان در این ایام خوراک بپزند و نزد مرد اهلو (دیندار) ببرند و او را به خوردن دعوت کنند، در آخرت، بدین نحو عقوبت می بینند که به دست و دندان خویش پستان خود را می بُرند و سگان شکم آنها را می درند و می خورند (ارداویراف نامه، ۷۶: ۸۷). چنین معنی برای www.SID.ir حائض در اسلام و شیعه امامیه مطرح نیست.

۳.۲.۳. خوراک و نوشاک زن دشتان

درباره اندازه، نوع، آورنده خوراک و نوشاک و روش خوردن و نوشیدن آن جزئیات جالبی در متون زردشتی آمده است: باید دقت کرد که به اندازه به او خوراک دهند و بیش از حد توانش به وی آب و خوراک نرسانند، زیرا هر چه از خوراک زن دشتان اضافه آید، قابل مصرف نیست و باید دور ریخته شود و برای خودش نیز قابل استفاده نیست (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۱۲، ص ۶۰؛ همان، فصل ۳، بند ۳۰، ص ۶۵). هر کس نان دشتان یا چیزی نیم‌خورده دشتان بخورد، پنجاه روز فهم و عقل او می‌کاهد، افزون بر اینکه مرتکب گناه نیز شده است (سد در بندهش، فصل ۹۶، بندهای ۱۱-۱۴، ص ۱۶۴). تا چهار شبانه‌روز نباید خوراک گوشتی به او بدهند، مبادا که خونریزی وی بیشتر شود. از آن‌رو که دیو در تن دشتان جای دارد، هر گونه نیرویابی او بر نیروی اهریمن می‌افزاید (وندیاد، تعلیقات مترجم: ۸۳۷). فقط به اندازه دو دینار (= معادل وزن ۱۰۵ یا ۱۸۵ دانه گندم) نان و به اندازه یک دینار شیربای^۶ باید به او داد تا مبادا نیرو بگیرد (همان، ۱۶: ۵-۷). کسی که برای زن دشتان خوراک می‌برد، باید سه گام از وی دور بایستد. زیرا خوراک پخته‌ای که در فاصله سه گام زن دشتان باشد، نجس است (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۱۲، ص ۶۰؛ همان، فصل ۳، بند ۳۴، ص ۶۶). خوراک را باید در آوندهای آهنی، سربی (همان، فصل ۳، بند ۳، ص ۶۶)، برنجی یا هر آوند فلزی کم‌بهای دیگر یا در چمچه‌ای فلزی بریزند و از فاصله‌ای نزدیک او بگذارند. زیرا آوندهای سفالی اگر آلوده شود، پاک‌شدنی نیست؛ ولی آوندهای فلزی را می‌توان پاک کرد (زرلکی، ۱۳۹۵: ۳۹). هنگامی که زن بخواهد نان بخورد، باید دست را در آستین کند یا چیزی بالای آستین بنهد و نباید دست برهنه‌اش هیچ جا دیده شود. زیرا هر قطره آب که بر اندام زن دشتان چکد، سیصد استیر^۷ گناه دارد (سد در نثر، فصل ۴۱، بندهای ۱-۴، ص ۳۱-۳۲). موقع آب‌خوردن نیز باید دستش را در آستینش فرو ببرد، پاره‌ای کرباس بر سر آستین بگیرد و ظرف آب را هم نباید لبریز کند (سد در بندهش، فصل ۹۶، بند ۲۳، ص ۱۶۵). وی باید در هر بار خوراک‌خوردن، ایزد سروش را که زننده و درهم‌کوبنده دیوان است، برای راندن دیو دشتان به یاری بخواند و طبق قولی دیگر، دعاها^۸ی مهمی چون اشم و هو^۹ و یتا آهو و یریه^۹ را تلاوت کند (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۳۵، ص ۶۸).

در اسلام، زن حائض به تغذیه مناسب و استراحت نیاز دارد و محدودیت غذایی

۳.۳. عبادت زن دشتان

اگر زنی در حال نیایش باشد و دشتان شود، باید به نیایش خود ادامه دهد (همان، فصل ۳، بند ۷، ص ۵۹). بر همه زنان واجب است دوازده هُماسَت^{۱۰} برگزار کنند تا از جمله گناهانی که در وقت دشتان و غیر آن انجام داده‌اند کاملاً پاک شوند (سد در نثر، فصل ۶۶، بند ۱، ص ۴۷). به نظر می‌رسد ممنوعیت عبادت برای زن دشتان به دلیل نجاست و اهریمن زده بودنش است و به همین دلیل بیشتر از باب محرومیت بوده است، نه معافیت و استراحت.

به طور کلی، از منظر اسلام و شیعه امامیه، در این ایام، انجام دادن تکالیف شرعی چون نماز و روزه واجب بر عهده زنان نیست و هر چیزی که بر فرد جُنُب حرام است، مثل رساندن جایی از بدن به خط قرآن، رفتن به مسجدالحرام و تمام عبادت‌هایی که برای انجام دادن آنها غسل یا تیمم واجب است، بر زن حائض هم حرام است. خواندن نمازهای واجب در ایام حیض از زنان رفع شده است؛ چون خونریزی ماهیانه زن نوعی حرج و سختی است و به دلیل پدید آمدن همین وضعیت روانی خاص، زن نمی‌تواند در حال نماز توجه دقیق و آرامش و طمأنینه و طهارت لازم را داشته باشد (حائری، ۱۳۹۲: ۹۹). روزه ماه رمضان نیز در دوران قاعدگی واجب نیست، اما زنان باید روزه‌های واجب ماه رمضان را قضا کنند (مفید، ۱۴۱۳: ۲۰). البته تلاوت آیاتی از عزائم^{۱۱} که سجده واجب دارند برای حائض جایز نیست و اگر زنان این آیات را استماع کنند، باید با اشاره رو به قبله سجده کنند. ترک سجده‌های مستحبی سایر سوره‌ها اشکالی ندارد (همان: ۲۱).

۳.۴. کارهای نیک جایگزین احکام دشتان

اگر زن دشتانی نتواند مقررات و احکام دشتان را کامل رعایت کند، می‌تواند با انجام دادن کُرفه (ثواب، کارهای نیک) از عقوبت اخروی در امان بماند. مثلاً اگر توانش را دارد، هفده یشت^{۱۲} و اگر ندارد، دوازده یشت بکند تا روانش رستگاری یابد تا از این راه، هم از گناهانش کامل پاک شود و هم شصت هزار کُرفه کسب کند (سد در بندهش، فصل ۴۱، بندهای ۴-۹، ص ۱۱۱).

در فقه شیعه، مستحب است که در این دوران زن با ذکر و دعا رابطه‌اش را با

بخواند www.SUD.ir و هنگام فرارسیدن وقت نماز خود را پاکیزه کند، وضو بگیرد، رو به

قبله بنشیند و با خدا دعا و مناجات کند (حائری، ۱۳۹۲: ۹۹) تا به این ترتیب، کاستی ارتباط معنوی با خداوند در این ایام جبران گردد. در فقه امامیه، فرد به مجرد محرومیت از انجام دادن کار واجب، از ثواب و برکات آن محروم نمی‌شود، چنان‌که ابوسعید خدری از پیامبر (ص) پرسید: «اگر کسی به واسطه بیماری و ضعف یا حیض نتوانست روزه مستحبی ماه رجب را به جا آورد، چگونه می‌تواند اجر روزه این ماه را به دست آورد؟». پاسخ فرمودند: «چنین کسی می‌تواند هر روز به فقیری صدقه دهد که اگر چنین کند، به تمام ثواب روزه این ماه و چه بسا بیش از آن خواهد رسید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱/۹۴).

۳. ۵. گناه و مجازات نزدیکی با زن دستان

«آمیزش با زن دستان از بدترین و پلیدترین گناهان در دین زردشتی به شمار می‌آید و توان دو گناه را دارد: هم‌آغوشی با زن دستان، و ریمنی بر اثر تماس با شخص ریمن که باید با آب و گمیز خود را پاک گرداند» (مزدایور، ۱۳۸۳: ۲۸۹). برای این گناه بر حسب دفعات تکرار آن و با توجه به آگاه بودن یا نبودن مرد، مجازات‌های سخت و سنگینی در دنیا و آخرت مطرح شده است. مثلاً گفته‌اند کسی که با زن دستان به کامجویی درآمیزد، کردار او بهتر از کردار کسی نیست که تن مرده پسر خویش را - که از خون خود او زاده شده و در اثر ناخوشی «نَزَه» (نوعی بیماری) مرده است - بسوزاند و چربی تن وی را در آتش بریزد (وندیاد، ۱۶: ۱۷). در اوستا، نزدیکی با زن دستان گناهی نابخشودنی و مرگ‌ارزان (= مستحق مرگ) دانسته شده (همان، ۱۵: ۷) و در وندیاد، کفاره بسیار سخت و سنگینی برای چنین مردی معرفی شده است (همان، ۱۸: ۶۸-۷۶). در جایی دیگر، گناه چنین فردی معادل پانزده تنافور/تناول/تناپوهل گناه^{۱۳} مطرح شده است (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۲۷، ص ۶۴؛ سد در بندهش، فصل ۹۶، بندهای ۱۱-۱۴، ص ۱۶۴). کیفر مردی که بارها با زن دستان مباشرت کند، چنان‌که دستان آن زن جابه‌جا شود، نخستین بار، شصت تازیانه، دومین بار، صد تازیانه، سومین بار، صدوچهل تازیانه، و چهارمین بار که او با زن دستان مباشرت کند، اگر تن زن را از زیر جامه بفشارد، اگر ران ناپاک او را، بی‌آنکه با او درآمیزد، بفشارد، صدوهشتاد تازیانه خواهد بود (وندیاد، ۱۶: ۱۴-۱۶). در آخرت، روان چنین مردی را با ریختن چرک و کثافت و خون حیض به دهانش عقوبت خواهند کرد (دراویزاف‌نامه، فصل ۲۲، ص ۶۶-۶۷).

در اسلام نیز آمیزش با زن حائض حرمت دارد، ولی قرآن بلافاصله دستور «فَأْتُوهُنَّ» را صادر کرده است تا این امر حرمت، سبب دوری زن و مرد از یکدیگر نشود.

۳.۶. روش تطهیر پس از پایان دوران دشتان

زنی که از دشتان پاک شده و مجاز به غسل و تطهیر است، تا وقتی که سر و تن را نشوید، نجس تلقی می‌شود و نباید به اندازه سه گام به برسم و دیگر چیزها نزدیک شود (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۲۰، ص ۶۲). نحوه غسل و تطهیر پس از دشتان به این ترتیب است که مزدپرستان باید راه را از هر گونه گل و بوته‌ای پاک کنند، سه گودال در زمین بکنند و بر سر دو گودال زن دشتان را با گمیز^{۱۴} و بر سر سومین گودال با آب بشویند. آنان باید خرفستران^{۱۵} را بدین شمار بکشند: اگر تابستان باشد، دویست مور دانه‌کش، و اگر زمستان باشد، دویست خرفستر از گونه‌های دیگر که اهریمن آنها را آفریده است (وندیداد، ۱۶: ۱۲۹). خونی را که از زن دشتان به کسی یا چیزی برسد، باید با آب و گمیز شست و بشو داد (شایست ناشایست، فصل ۱۰، بند ۳۹، ص ۱۳۴). در سرمای سخت، شست و شوی زن دشتان در کنار آتش افروخته منعی ندارد و باید پس از آن نیایش بخواند و دستش را حتماً با گمیز گاو بشوید. در غیر این صورت، اگر دستش را با آب شست، برای کفاره این گناه باید دویست خرفستره را بکشد (همان، فصل ۳، بند ۲۱، ص ۶۲). در فقه امامیه، غسل پاک‌شدن از حیض همچون غسل‌های دیگر است و با صرف غسل، طهارت از نجاست حیض حاصل می‌شود.

۳.۷. عقوبت دنیوی و اخروی رعایت نکردن احکام و مقررات دشتان

چنانچه زن دشتان چشم بر آتش افکند، در فاصله سه گام از آتش برود یا دست به آتش بزند، مرتکب گناهی سنگین می‌شود (شایست ناشایست، فصل ۳، بند ۲۷، ص ۶۴). به همین نحو، اگر در آب روان نگاه کند، یا در فاصله پانزده گام تا آب قرار گیرد، در آب روان بنشیند یا در آب باران برود، گناهی سخت کرده است (سد درنثر، فصل ۶۸، بندهای ۱-۴، ص ۴۸-۴۹). در صورت رعایت نکردن مقررات و پرهیزهای دشتان، کیفرهای اخروی سختی در انتظار زن خواهد بود. یکی از آنها این است که با شانه آهنین، آن‌گونه که با شانه مو را شانه می‌زنند، گوشت تن چنین زنانی را شانه می‌کنند و می‌درند و در دوران www.SID.ir دشتان خورده‌نی پلید و دشتان خواهند خورد (همان، فصل ۴۱، بندهای ۳-۴،

ص ۱۱۰). طبق نقلی دیگر، در آخرت، روان زنی که در دشتان پرهیز نکند و مطابق قانون رفتار نکند و به سوی آتش و آب برود، به این صورت مجازات خواهد شد که ریم (= کثافت) و پلیدی مردمان را تشت تشت به خوردش خواهند داد (ارداویراف‌نامه، فصل ۲۰، ص ۶۶). همچنین، روان زنانی که دشتان خویش را پرهیز نکنند و آب، آتش، سپندارمذ، خرداد و امرداد را بیازارند و به آسمان و خورشید بنگرند و ستور و گوسفند را با دشتان آزار دهند و مرد اهلو (دیندار) را ریمَن (= ناپاک) بدارند، در آن دنیا با خوردن خون دشتان خویش مجازات خواهند شد (همان، فصل ۷۲، ص ۸۶).

در اسلام، اگرچه رعایت احکام حیض بهشت را بر زن واجب می‌کند، سخنی از عقوبت زنان حائضی که احکام حیض را رعایت نمی‌کنند، نیست.

نتیجه

از آنچه گفته شد، می‌توان به نکات مشترک و متفاوتی درباره حیض در دین زردشتی و شیعه امامیه دست یافت. بر روی هم، از نظر حجم و کمیت، احکام اسلامی حیض موجزتر و سهل‌گیرانه‌تر است. در مقابل، احکام زردشتی مفصل‌تر و سختگیرانه‌تر است. مخرج مشترک فقهی و شرعی دین زردشتی و مذهب امامیه عبارت‌اند از: بیماری یا شبه‌بیماری دانستن حیض، معافیت زن از انجام‌دادن تکالیف شرعی (البته با دلایلی متفاوت)، ممنوعیت آمیزش با زن حائض بنا به ملاحظات دینی و بهداشتی، و امکان عبادات مستحبی جایگزین واجبات.

با این همه، دین زردشتی و فقه امامیه راجع به حیض و باورها و قوانین لازم‌الاجرای مربوط به آن اختلافات چشمگیری با یکدیگر دارند: در باورها و اساطیر دین زردشتی، جدالی آشتی‌ناپذیر و همیشگی بین اهوره‌مزدا و نیروها و عناصر نیک از یک سو، و اهریمن و قوای اهریمنی از سوی دیگر برقرار است و اهریمن و یارانش همواره با هدف آسیب‌زدن به آفرینش اهورایی خداوند مشغول فعالیت‌اند که یکی از کارهای اهریمنی و پلیدشان به وجود آوردن دشتان در زنان بوده است. به دلیل نجاست شدید خون در این دین، زن در حال دشتان، اهریمن‌زده، آلوده و نجس تلقی می‌شود و به همین علت باید در مکانی قرنطینه‌مانند به سر ببرد و از تماس با افراد، اشیا و عناصر مقدس بپرهیزد. محدودیت‌ها و سختگیری‌های بسیاری بر زن دشتان تحمیل می‌شود که مشابه آن در فقه امامیه دیده نمی‌شود، مانند جدایی کامل زن از دیگران حتی از فرزند

شیرخوارش، ممنوعیت آشپزی، نجس شدن هر چیز و هر کس در اثر نزدیک شدن زن به آنها، ارتباط دیداری یا لمسی با زن دشتان، قوانین سخت و جزئی درباره پوشاک، خوراک، نوشاک، تطهیر و غسل پس از دشتان، و عقوبت دنیوی و اخروی رعایت نکردن مقررات دشتان. این مطالب با احکام اسلامی در همین حوزه، از جهت جایگاه، اهمیت، معنا و نمود دینی، تفاوت آشکار و بسیاری دارد. در شریعت اسلام، به عنوان دینی توحیدی که توحید اساسی‌ترین آموزه و مهم‌ترین دغدغه آن و معیاری برای صدور احکام فقهی است، حیض به مثابه امری کم‌اهمیت‌تر و با احکامی ساده‌تر و آسان‌تر در مقایسه با احکام دشتان در دین زردشتی مطرح می‌شود. در قرآن، از حیض به عنوان «اذی» و به مثابه «بیماری و رنج» یاد شده است و به نظر می‌رسد احکامی که درباره حیض در فقه امامیه آمده است، بر همین مبنا و برای رعایت حال حائض، معاف شدن وی از تکالیف شرعی و از هر آنچه موجب عسر و حرج وی شود، و فراهم کردن زمینه‌ای برای استراحت و آرامش بیشتر بوده است، برخلاف فقه زردشتی که در آن زن دشتان به سبب آلودگی و اهریمنی‌بودن، از انجام دادن عبادات محروم می‌شود. در واقع، هیچ اثری از باور به آلودگی و پلیدی جسمی، روحی یا وجودی زن در این ایام در دیدگاه فقهای امامی به چشم نمی‌خورد. در روایات شیعی، گناهان زن حائض در ایام حیض آمرزیده است، اما در دین زردشتی، زن بعد از پایان دشتان و انجام دادن غسل، باید از گناهان عمدی و سهوی خود در آن دوران بخشایش بخواهد. گمان می‌رود که قانون منع ورود حائض به مساجد و اماکن مقدس هم به دلیل نبود امکانات محافظتی در دوران حیض و پیش‌گیری از نشت خون و بروز آلودگی وضع شده باشد. حتی گاه شاهد تلقی‌هایی مثبت از حیض هستیم، آنجا که سخن از آمرزش گناهان در دوران حیض و برابر بودن اجر زنی که در حال حیض بمیرد، با اجر شهید از دنیا رفته است. ممنوعیت نزدیکی با زن حائض نیز با هدف حفظ سلامت زن و پیش‌گیری از عفونت و ممانعت از تشکیل جنین و نوزاد ناقص‌الخلقه است، نه اینکه زن آلودگی و پلیدی داشته باشد.

احکام زردشتی، در قیاس با احکام و قوانین دیگر ادیان، دربرگیرنده بیشترین، مفصل‌ترین و در عین حال سختگیرانه‌ترین احکام درباره دشتان است. روی هم رفته، به نظر می‌رسد مهم‌ترین و بنیادی‌ترین تفاوت در مقایسه احکام دشتان در این دو دین، پایداری و دائمی بودن ممنوعیت نزدیکی با زن حائض و خون حیض (بر مبنای پنداشته‌های اسطوره‌ای کهن و

به خاطر ناپاکی و اهریمنی بودن خون) در دین زردشتی، و پاکی ذاتی و جسمی زن و انحصار نجاست به خون حیض در فقه امامیه است. چه بسا ملاحظات بهداشتی نیز در مواضع زردشتی در قبال دستان مد نظر بوده است، زیرا رعایت نکردن پاکیزگی، ناخوشی و بیماری را در پی داشت که یکی از بدکاری‌های اهریمن است. به نظر می‌رسد در اسلام و فقه امامیه در مقایسه با دیدگاه‌های زردشتی، نگاه انسانی‌تر و موضع ملایم‌تری به حیض و زن حائض ابراز و اتخاذ شده است. ناگفته نماند که امروزه بسیاری از مقررات مطرح شده مربوط به دستان در دین زردشتی، به دلیل تغییر اوضاع و احوال و اقتضای مناسبات خاص دنیای مدرن و لزوم حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های اجتماعی، در حاشیه حیات دینی زردشتیان قرار گرفته و در حال حاضر، چندان امکان و مجالی برای رعایت و اجرای آنها نیست. بر پایه این ملاحظات، فقه زردشتی هم‌اکنون بسیاری از شاخ و برگ‌های کهن نامناسب با روزگار جدید را زدوده و راه دینداری و دین‌مداری را آسان‌تر و هموارتر کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. سه مقاله مزبور عبارت‌اند از: بادامچی، حسین؛ غضنفری، کلثوم؛ داوری، پروین (۱۳۹۴). «ازدواج موقت در دین زردشتی و اسلام»، در: *زن در فرهنگ و هنر، دوره هفتم، ش ۴*، ص ۵۲۱-۵۳۶؛ غضنفری، کلثوم؛ بادامچی، حسین؛ داوری، پروین (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی شرایط ازدواج در دین زردشتی و اسلام»، در: *زن در فرهنگ و هنر، دوره هشتم، ش ۳*، ص ۳۹۵-۴۱۰؛ بادامچی، حسین؛ غضنفری، کلثوم؛ داوری، پروین (۱۳۹۵). «طلاق در دین زردشتی و اسلام»، در: *پژوهش‌های ادیبانی، ش ۸*، ص ۱۰۵-۱۲۱.
۲. شریعت اسلام چند چیز مانند خون، ادرار، مدفوع و منی انسان و حیوانات، مردار، و خوک را نجس شمرده و دستور داده است که در نماز و خوردن و نوشیدن از آنان اجتناب شود.
۳. نوعی بیماری پوستی همراه با خارش در انسان و حیوان.
۴. یا باژ، به معنای کلمه، سخن و نیز به معنای زمزمه، سرودن و ستاییدن است که در اصطلاح زردشتی، به تمام ادعیه مختصری که آهسته بر زبان می‌رانند، گفته می‌شود. زمزمه کردن پیش از تناول غذا مرسوم بوده است (اوشیدری، ۱۳۸۶: ۱۵۴).
۵. یا پادیاب، گمیز گاو که یکی از مطهرات دین زردشتی است.
۶. خوراکی ساده که از شیر و برنج یا آرد برنج ترکیب یافته است.
۷. هر استیر معادل چهار درم سنگ است.
۸. دعای معروف زردشتی که در آغاز و انجام بیشتر نیایش‌ها می‌آید. این نیایش یکی از جنگ‌افزارهای برنده بر ضد دیو و دروغ است و زردشت نخستین کسی است که این دعا را سرود (اوشیدری،

۹. اولین نیایشی که به نوباوه زردشتی آموخته می‌شود، دعای اشم وهو و همین دعا است و زردشت برای اولین بار آن را سرود. از نظر زردشتیان، این نیایش بسیار پرکاربرد و سودمند است (اوشیدری، ۱۳۸۶: ۵۰۶-۵۰۷).
۱۰. یا هم‌آیشت، ادعیه‌ای بسیار طولانی که برای استغفار و طلب بخشش و پاک‌شدن از گناه خوانده می‌شود و در بردارنده مراسم یسنا و وندیداد است و برای جبران قصوری است که ممکن است زنان در ایام دستان یا مواقع دیگر در انجام‌دادن وظایف خود مرتکب شده باشند. این نیایش شامل ۲۲ فرگرد و وندیداد و ۷۲ بخش یسنا است که هر ماه باید ۱۲ بار خوانده می‌شد، یعنی ۱۴۴ بار در سال (روایت پهلوی، ۱۰۰-۱۰۱؛ صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۸).
۱۱. سوره‌های لقمان، نجم، حم سجده و علق.
۱۲. به معنای ستایش، نیایش، و فدیة که البته نام یکی از پنج بخش *اوستا* که در ستایش ایزدان است، نیز هست.
۱۳. تنافور گناهی است که تاوان آن سیصد استیر است معادل هزار و دویست درهم.
۱۴. ادراار تقدیس‌شده گاو که در آداب تطهیر زردشتی جایگاه مهمی دارد.
۱۵. به معنای حشره و جانور موزی که در دین زردشتی، به جانوران زیانکار اهریمنی مانند مور، وزغ، مار، موش، ملخ، مگس، ساس، زنبور، سوسک، پشه، کرم، شپش، عنکبوت، لاک‌پشت و گرگ اطلاق می‌شود و کشتن‌شان مایه ثواب است. در فقه زردشتی کشتن جانوران زیانمند کفاره برخی از گناهان تلقی می‌شود (اوشیدری، ۱۳۸۶: ۲۵۵).

منابع

- آسیموف، آیزاک (۱۳۶۴). *اسرار مغز آدمی*، ترجمه: محمود بهزاد، تهران: علمی فرهنگی.
- ارداویراف‌نامه* (۱۳۹۰). تصحیح: فیلیپ ژینو، ترجمه و تحقیق: ژاله آموزگار، تهران: معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، چاپ چهارم.
- انصاری، شیخ مرتضی (بی‌تا). *الطهارة*، بی‌جا: بی‌نا.
- اوستا* (۱۳۷۰). گزارش و پژوهش: جلیل دوست‌خواه، تهران: مروارید، ج ۲.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۸۶). *دانش‌نامه مزدیسنا*، تهران: مرکز، چاپ چهارم.
- حائری، میرزا حسن (۱۳۹۲). *احکام الشیعة*، کویت: مکتبة الامام جعفر الصادق (ع).
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۵). *زن تاریخ: جایگاه زن در ایران باستان*، تهران: قصیده‌سرا.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹). *رساله توضیح المسائل*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷). *مفردات الفاظ القرآن الکریم*، ترجمه: حسین خداپرست، قم: نوید اسلام.
- روایات داراب هرمزدیار* (بی‌تا). به کوشش: رستم اونوالا، بمبئی: بی‌نا.
- روایت امید اشوهیستان* (۱۳۷۶). ترجمه: زهت صفای اصفهانی، تهران: مرکز.
- روایت پهلوی* (۱۳۶۷). ترجمه: مهشید میرفخرایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات

زرلکی، شهلا (۱۳۹۵). *زنان، دشتان و جنون ماهانه*، تهران: نشر چرخ.
 زهانی، معصومه (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی جایگاه زن و ازدواج در دین زردشتی و فقه امامیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد الاهیات (ادیان و عرفان تطبیقی)، استاد راهنما: مهدی حسن‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی.

سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۰۴). *الدر المثور فی تفسیر المأثور*، قم: انتشارات آیت‌الله مرعشی نجفی.

شایست ناشایست (۱۳۶۹). آوانویسی و ترجمه: کتابیون مزداپور، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

صادقی، فاطمه (۱۳۹۲). *جنسیت در آرای اخلاقی: از قرن سوم پیش از اسلام تا قرن چهارم هجری*، تهران: نگاه معاصر.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۴۵). *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ دوم، ج ۳.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۵). *زن در قرآن*، قم: هاجر.

طبری، محمد بن جریر (بی تا). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بی جا: بی نا.

فرنیغ دادگی (۱۳۶۹). *بندهش*، گزارش: مهرداد بهار، تهران: توس.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۳). *التفسیر الصافی*، تصحیح: حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر.

قادری، حاتم؛ صادقی، فاطمه (۱۳۸۴). «قدرت و جنسیت در اخلاق و فقه زرتشتی دوره ساسانی»، در: *فصل‌نامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، س ۱۵، ش ۵۵، ص ۱۳۹-۱۶۶.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۵). *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کاکای افشار، علی (۱۳۸۷). «مادگان هزار دادستان، کتاب هزار رأی (۱۶)»، در: *مجله کانون وکلا*، ش ۲۰۰ و ۲۰۱، ص ۸۵-۱۱۲.

کتاب پنجم دینکرد (۱۳۸۶). ترجمه و تعلیقات: ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: معین.
 کرکی، علی بن حسین؛ حلی، حسن بن یوسف (بی تا). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، بی جا: بی نا.

گواهی، زهرا (۱۳۶۹). «میر ابوالقاسم میرفندرسکی»، در: *مشکوة*، ش ۲۹، ص ۵۸-۷۷.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مزداپور، کتابیون (۱۳۷۱). *زن در آیین زردشتی*، بی جا: نوید (آلمان).

مزداپور، کتابیون (۱۳۸۳). *داغ گل سرخ و چهارده گفتار دیگر درباره اسطوره*، تهران: اساطیر.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). *احکام النساء*، بی جا: المؤتمر العالمی الافیة.

مطالع، محمدحسین (۱۳۹۵). *جواهر الکلام*، تهران: المکتبه الاسلامیه. www.SID.ir

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۷۳). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

هولم، جین؛ بوکر، جان (۱۳۸۴). *زن در ادیان بزرگ جهان*، ترجمه: علی غفاری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

Saddar Nadr and Saddar Bundayesh (1909). Edited by Ervad Bamanji Nasarvanji Dhabhar, The Trustees of the Parsee Punchayet Funds and Propertis.